

واکنش

قانون بعدی ما این است: به واکنش شنوندگان خود توجه نمایید. این را باید یکی از مهم‌ترین جنبه‌های علم جدید ارتباطات محسوب نمود. قانون فوق بر این مهم تأکید دارد که باید روش‌هایی را به کار بریم تا دریابیم که شنونده چه فهمیده و پیغام چه تأثیری بر او داشته است. واکنش یک اصطلاح فنی است که در مورد این عکس‌العمل شنوندگان به کار می‌رود.

راه‌های متعددی برای کسب واکنش مخاطبین وجود دارند از جمله: توجه به حالات شنوندگان، ملاحظه چهره و اعمال آنها، سؤال کردن از آنان، تشویق کردن به اینکه نظری بدهند یا سؤالی بکنند. اگر با استفاده از رادیو یا جزوات، بشارت می‌دهید از شنوندگان یا خوانندگان خود بخواهید که برای شما نامه بنویسند و دروس مکاتبه‌ای را بگذرانند.

حالات

قانون نهم در اعلام واضح انجیل عبارت است از: تأثیر حالات خود را به خاطر داشته باشید. در فصل‌های قبلی به اهمیت حالات خود اشاره کردیم. دیدیم که در کار بشارت، محبت و صمیمیت از اهمیت بسزایی برخوردارند. چهره ما، آهنگ صدایمان و اعمالی که از ما سر می‌زنند با احساساتمان نسبت به مردم، مرتبط هستند. حالات ما موجب می‌شوند که شنوندگان، پیغام ما را بپذیرند و یا در برابر آن مقاومت کنند.

مشاهده حالات مردم به عنوان واکنش آنها کار بسیار مهمی است. این نکته را در بشارت انفرادی بهتر می‌بینیم. بعضی از مردم زمینه باز و مساعدی دارند و مشتاق‌اند که همه چیز را از شما بیاموزند. در حالی که هستند کسانی هم که نمی‌توانید چندان در صحبت به آنان به پیش روید چون بزودی خصومت شنوندگان را حس خواهید کرد. دیگران فقط خود را پشت یک دیوار بی‌تفاوتی مخفی می‌کنند. نباید نسبت به این واکنش‌ها بی‌توجه باشیم. گاهی اوقات خدا طوری ما را هدایت می‌کند که به حل مشکل طرف مقابل پردازیم و یا به نحوی مسیر صحبت را عوض کنیم که موانع ایجاد شده توسط مخاطب ما فرو بریزد و بتوانیم به مباحث روحانی خود ادامه دهیم. در بسیاری از مواقع، هدایت الهی را در این می‌بینیم که صحبتمان قطع شود یا موضوع مورد بحث، تغییر یابد. در هر حال باید به ارزش‌های فرهنگی مردم هر کشور دقت کنیم.

تقریباً آخرین اصل از قوانین ده‌گانه‌ای که برای ایجاد ارتباط صحیح داشتیم بدین شرح بود: با استفاده از شیوه‌های مختلف به تقویت نیروی



تعلیمی خود پردازید. به بیان دیگر می‌توانیم به روش‌های مختلف تأثیر پیغام خود را به دیگران تشدید نماییم.

تکرار حقایق اصلی، همانند کار چکشی است که با هر ضربه، میخ را کمی بیشتر فرو می‌کند. به کار بردن روش‌های مختلف در ارائه حقایق، موجب جلب توجه مردم شده و به آنان کمک می‌کند که موضوع را بهتر بفهمند. برای مثال، در یک جلسه بشارتی می‌توان از یک اعلان دیواری با این مضمون استفاده کرد: «عیسی نجات می‌دهد!» در همین جلسه باید سرودهایی را انتخاب نمود که همین موضوع نجات دهنده بودن عیسی را البته با ذکر جزئیات بیشتر، به جماعت القا کنند.

حق‌جویان هم می‌توانند در سراییدن بندگان‌ها با بقیه هم آواز شوند. بدین ترتیب حتی پس از اتمام جلسه نیز، کلمات بندگان در ذهن آنها باقی می‌مانند. در شهادت‌ها، بر این حقیقت تأکید می‌شود که عیسی واقعا نجات می‌دهد و بالاخره شنوندگان از موعظه مبشر درمورد کلام خدا در می‌یابند که چگونه می‌توانند نجات یابند. هر چه بیشتر شخصی را واداریم که نقش فعال‌تری داشته باشد، او بهتر خواهد آموخت و آن تعلیم ما مدت طولانی‌تری در ذهنش خواهد ماند. به همین دلیل است که با سؤالات خود از شنونده می‌خواهیم که اظهار نظر کند، سرودهایی را انتخاب می‌کنیم که او نیز بتواند بخواند و به هر وسیله ممکن سعی می‌کنیم که او عقاید و مشکلاتش را اظهار نماید.

بدین ترتیب به چیزی بیش از یک واکنش ساده خواهیم رسید. در واقع این عمل بخشی از آموزش است و به پذیرش حقیقت و تقویت ایمان منتهی می‌شود. قبل از اینکه مردم بتوانند چیزی را کاملا بفهمند و بپذیرند، محتاجند که آن را بارها در ذهن خود تکرار کنند.

شاهد بودن برای مسیح

نقشه خدا برای هر مسیحی

روح القدس بدین منظور فرستاده شد تا همه آنانی که عیسی را می‌شناسند، قوت یابند و شاهدان او شوند. مسیحیان اولیه در حالی که پر از قوت روح القدس بودند، کار خود را شروع کردند و به همه می‌گفتند که درمورد عیسی چه می‌دانند. به رسولان اخطار شد که اگر در صلح دادن خود را متوقف نسازند، کشته خواهند شد، ولی آنها در برابر این تهدیدات مقاومت نمودند (اعمال رسولان ۵: ۲۹-۳۲).

رسولان شاهدان عینی زندگی، مرگ، قیام و صعود مسیح بودند. هر چند ما همانند آنها نیستیم، اما هر مسیحی واقعی با خداوند خود رابطه شخصی دارد و او را می‌شناسد. ابتدا، شهادت شاهدان عینی

را که در کتاب مقدس مذکور است و نیز گفته شاهدان کنونی را که در مورد شناخت شخصی او دلیلی از زندگی خود دارند، می‌پذیریم. سپس در دعا به نزد مسیح می‌رویم و یقین می‌یابیم که او به نزد ما خواهد آمد و او نیز می‌آید! او گناهان ما را می‌آمرزد و به زندگی ما شادی، آرامش و هدف می‌بخشد.

قدرت شفا بخش او را در روح و بدن خود تجربه می‌کنیم و به بسیاری از دعاهایمان پاسخ داده می‌شود. در این صورت است که ما در مورد یک منجی زنده، شهادت و مدرکی داریم که باید به دیگران هم اعلام کنیم. همان گفته مسیح در کوه زیتون و خطاب به شاگردانش، در مورد ما هم مصداق دارد که فرمود: «شما شاهدان من خواهید بود» (اعمال رسولان ۱: ۸).

عیسی در برابر دنیای امروز به محاکمه کشیده شده است. او ادعا می‌کند که پسر خداست و نجات‌دهنده همه آنانی که به او ایمان آورند. دشمنان وی می‌گویند که او فریبکار است و آنچه که ادعایش را دارد نیست. شما دعوت شده‌اید تا در دفاع از مسیح شهادت دهید. آیا شهادت شما تأثیری به نفع مسیح خواهد داشت؟

مطابق اعمال رسولان ۱: ۸، نهضت پنتیکاستی که در جهان امروز موجب بیداری کلیسا گشته، می‌تواند مسیحیان را یاری دهد که عیسی را بهتر بشناسند، تأثیر این شناخت و ایمان را در زندگی خود نشان دهند و او را نزد دیگران تصدیق کنند. این است نقشه خدا برای تمام مسیحیان.

عنصر اصلی در همه روش‌های بشارتی

یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «ذره‌ای تجربه، با ارزش‌تر است از کوهی از فرضیه‌ها» ممکن است ساعت‌ها بحث کنیم تا مردم را نسبت به قبول حقیقت متقاعد نماییم، ولی ارائه مدرک و دلیل از همه آن بحث‌ها فوی‌تر باشد. مردم مایلند قبل از تسلیم زندگی خود به آنچه از تجربه و مدرکی دال بر حقیقی بودن آن داشته باشند. به همین دلیل است که شهادت دادن، یک از دیگر راه‌های بشارت به آن نمی‌رسند. به هیچ چیز کمتر از ایمان آوردن تمام خانواده خود به مسیح، قانع نشوید. خدا می‌خواهد که همه اعضای خانواده نجات یابند و او را به هر یک از آنان بگویید.

در یکی از گزارشاتی که اخیراً در مجله ابدیت (Eternity) (سپتامبر ۱۹۸۷) در مجله (۲۰) چاپ شده بود، از ۱۴ هزار نفر پرسیده بودند که چه عاملی در ایمان آوردنشان مؤثر بوده است. نتایج این تحقیق بدین شرح می‌باشد:



- احتیاج خاص شخص
 - به کلیسا رفتن
 - شبان کلیسا
 - ملاقات
 - کانون شادی
 - برنامه‌های کلیسایی
 - اردوهای بشارتی
 - دوستان و بستگان
- ۱-۲ درصد
 - ۲-۳ درصد
 - ۵-۶ درصد
 - ۱-۲ درصد
 - ۴-۵ درصد
 - ۲-۳ درصد
 - ۵ درصد
 - ۷۵-۹۰ درصد

آیا حاضرید که به ده شهر رفته و به تمام بستگان و آشنایان خود بگویید که عیسی برای شما چه کرده است؟ اسامی اعضای خانواده و دوستان نزدیک خود را روی کاغذی بنویسید. در مقابل اسم آنهایی که ایمانداران هستند حرف (ا) و در برابر اسامی بی‌ایمانان حرف (ب) را بنویسید. در مورد کسانی که وضع روحانی شان برای شما نامعلوم است از علامت (?) به عنوان مشخصه استفاده کنید. سپس در برابر هر اسم بنویسید که محل سکونت وی در کدام شهر است و چگونه (توسط نامه یا ملاقات شخصی) و در چه وقت خواهید توانست که شهادت خود را به او بگویید. خدا شما را برای شهادت دادن به بستگان و دوستان بی‌ایمان به کار خواهد برد.

به محض اینکه متای باجگیر به مسیح ایمان آورد، خواست که تمام فامیل و دوستانش هم عیسی را بشناسند. به همین دلیل همه را به ضیافتی دعوت نمود که میهمان افتخاری آن، مسیح بود. امروز هم بعضی از مسیحیان، ایمان آوردن خود را این گونه جشن می‌گیرند. آنها بستگان و دوستان نزدیک خود را همراه با کشیش کلیسا به میهمانی شام دعوت می‌کنند. میزبان، ماجرای ایمان آوردن خود را به همه میهمانان خود اعلام می‌نماید و پس از او، کشیش توضیح می‌دهد که چگونه هر کس که مایل باشد می‌تواند همان شادی و حیات تازه در مسیح را بیابد.

در روزی بسیاری از آن‌ها دعوت بسیاری از دوستان خود به شام و سپس بردن آنها به کلیسا را بجا آوردند. بعد از آن، دیگران از همین روش برای کار در بین دانشجویان و سربازان دور از خانه و خانواده استفاده می‌کنند. کلیساها و انجمن‌های مختلف مسیحی از این ضیافت‌های خاص استفاده می‌کنند. در بعضی موارد، این ضیافت‌ها در شهرها یا روستاها برگزار می‌شود. در چنین مواقعی باید از یک سخنگوی میهمان و یک شهادت برجسته سود جست.



در مکزیکو سیتی، یک دندانپزشک به همراه همسر خود، دوستانش را برای «صبحانه و مطالعه کتاب مقدس» دعوت می‌نمود. در این بین هرکه ایمان می‌آورد، همین برنامه «صبحانه و مطالعه کتاب مقدس» را درمورد دیگران به کار می‌گرفت.

در حال حاضر کلیسایی متشکل از هزار عضو، نتیجه همین جمع شدن‌های کوچک در اطراف میز صبحانه می‌باشد. لازم نیست که شهادت دادن و میهمان نوازی شما فقط به بی‌ایمانان محدود شود. دعوت شما از نوایمانان هم می‌تواند فرصتی برای مشارکت مسیحی و کمک به رشد آنها محسوب گردد. هر کلیسا زمانی تقویت می‌شود که خانواده‌ها، یکدیگر را در خانه خود بپذیرند و با در میان گذاشتن تجربیات خود، موجب بنای همدیگر در ایمان شوند. «مشارکت در احتیاجات مقدسین کنید و در مهمان‌داری ساعی باشید» (رومیان ۱۲: ۱۳).

برای شهادت دادن به اشخاص غریبه و یا همکاران اداری خود چه موقعیت‌هایی پیش می‌آید؟ به کارکنان فروشگاه‌هایی که از آنجا خرید می‌کنید و یا به آرایشگر، پزشک یا دندان‌پزشک خود چه می‌گویید؟ آیا به کسی که در اتوبوس، قطار، هواپیما و یا در اتاق انتظار کنار شما نشسته است شهادت می‌دهید؟ آیا شهادت خود را با فروشندگانی که زنگ خانه شما را زده است در میان می‌گذارید؟ همه اینها موقعیت‌هایی است که با استفاده از آنها می‌توانید به دیگران بگویید که مسیح برای شما چه کرده است.

چگونه به همسایه خود نشان می‌دهید که نسبت به سلامتی یا بیماری، سیری یا گرسنگی، شادی یا غم و به بهشت یا جهنم رفتن او توجه دارید؟ به یاد داشته باشید که شما چراغی هستید که خدا برافروخته است تا نور خود را بر همسایگان خویش تابان سازید. با آنها دوستانه رفتار کنید. وقتی که آنها به شما اعتماد پیدا کردند، این فرصت پیش می‌آید که برای مشکلاتشان دعا کنید به آنان شهادت دهید و یا آنها درباره موضوعات روحانی سخن بگویید.

شهادت را مخصوص به شخص

شهادت دادن شما در بیشتر موارد شخصی ممکن است با آمادگی قلبی و یا بدون آن باشد. غالباً موقعیت‌های مناسب در زمانی پیش می‌آیند که آنها را می‌توانید در سایر موارد، این شما هستید که باید برای شهادت دادن به خانواده، دوستان، همکاران یا غریبه‌ها موقعیت را مهیا سازید.



شهادت دادن در چه زمانی آغاز می‌شود؟ بیایید به تجربه مسیحیان اولیه نظری داشته باشیم. در مرقس ۵: ۱-۲۰ می‌بینیم که برای آن مرد دیو زده درس‌رزمین دیکاپولس (ده شهر)، چه اتفاقی افتاد. او مردی وحشی، خشن، نا امید و دیوانه بود، اما مسیح او را نجات بخشید. وی که دوباره سلامتی خود را بازیافته بود، مشتاقانه می‌خواست به گروه بشارتی عیسی بپیوندد، اما عیسی به او گفت که نزد خویشان خود رفته و درمورد آنچه که خداوند برایش کرده است شهادت دهد. او در تمام آن نواحی (ده شهر) درمورد کار مسیح شهادت داد و همه مردم را متعجب ساخت.

شهادت دادن معمولا در خانه و در میان خانواده و دوستان آغاز می‌شود. آنها که نزدیکان ما هستند بهتر می‌توانند مشاهده کنند که مسیح چه تغییری در زندگی‌مان به وجود آورده است. درمورد ماجرای شفای آن دیو زده، اهالی آن سرزمین عکس‌العمل مثبتی نسبت به مسیح نشان ندادند، اما حالت آنها با شهادت آن شخص تغییر یافت. آنها که در برابر بشارت انجیل مقاومت می‌کردند، هنگامی که دوباره عیسی به نزدشان آمد، مشتاقانه او را پذیرفتند و از او خواستند که بیمارانشان را شفا بخشد.

امروزه هم خدا با همین روش، سرزمین‌های بسته‌ای را برای پیغام انجیل باز می‌کند. بسیاری از نوایمانان قویا در خود احساس می‌کنند که باید به موطن خود بازگشته و درمورد کار عیسی در زندگی‌شان به خانواده و دوستان خویش شهادت دهند. این کار غالبا به ایمان آوردن عده زیادی انجامیده است.

در مطالعات انجام شده درمورد چگونگی رشد کلیساها، این نتیجه به دست آمده که شهادت هر مسیحی به خانواده و بستگانش، اهمیت بسزایی دارد. این شهادت شخص به شخص، تأثیر سریع و پایداری در رشد کلیسایی دارد، به حدی که هیچ



نقش مشاوره در کار بشارت

اصول اساسی در مورد مشاوره

بین مشاوره و شهادت چه تفاوتی وجود دارد؟ در کار بشارت چه موقعیت‌هایی برای مشورت پیش می‌آیند؟ و چگونه می‌توانیم تأثیر بیشتری به مشورت دادن خود ببخشیم؟ مشاوره مسیحی؛ یعنی صحبت کردن با مردم در مورد مشکلات روحانی‌شان و کمک کردن به آنها تا راه حل صحیح را بیابند. مشورت دادن هم مانند شهادت، یکی از عناصر اصلی در بشارت به شمار می‌آید.

ما می‌کوشیم که در تمام شیوه‌های بشارتی خود به مردم کمک کنیم تا برای مشکلات روحانی خود، راه حل صحیحی بیابند. در کار مشاوره به مسایل و مشکلات مردم گوش فرا می‌دهیم و آنان را یاری می‌کنیم که به پاسخ‌های خاص دست یابند. اگر این هفت اصل اساسی در مورد مشاوره مسیحی را به کار برید، خدمت شما در بشارت مفیدتر خواهد شد:

- ۱- اجازه دهید که مخاطب شما سخن بگوید.
- ۲- مواظب حالات و احساسات خود باشید.
- ۳- سخن چینی نکنید.
- ۴- خود را صرفاً به قواعد مشخص محدود نکنید.
- ۵- از مشاور الهی خود طلب کمک نمایید.
- ۶- توصیه‌های شما بر اساس کتاب مقدس باشد.
- ۷- در صورت نیاز از کمک دیگران هم استفاده کنید.

موقعیت‌های مناسب در کار مشاوره

شهادت دادن و مشاوره، غالباً از شخص به شخص دیگر منتقل می‌شود. شهادت شما ممکن است موقعیت مناسبی ایجاد کند تا شخصی مسیح را بیابد و یا قبل از آن بتواند به او مشورت دهد. به پنج مکان و موقعیت مناسب در کار مشاوره دقت کنید: در خانواده و جامعه شما، در جلسات بشارتی، در کار با مردم، در خدمت شبانی و در مسایل ارتباطی.

خانواده و جامعه شما

در یکی از جلسات اخیر خادمین مسیحی، سخنران از جماعت پرسید: «چند نفر از آنها توسط مادرشان به مسیح ایمان آورده‌اند. از ۱۲۰ نفر حاضر در جلسه، ۱۰۰ نفر دست خود را بلند کردند. بسیاری از مادران مسیحی که مشغول کارخانه هستند شاید فکر کنند که موقعیتی برای بشارت دادن ندارند. حقیقت این است که آنها در همان



جایی که هستند به طور تمام وقت، وظیفه یک مشاور مسیحی را بر عهده دارند!

در اشاره به موقعیت‌های مناسب در کار مشاوره، اول به نقش مادر پرداختیم، چون او رابطه نزدیکی با فرزندانش دارد. پدر در یک خانواده مسیحی نقش سر خانه را بر عهده دارد و نسبت به هدایت روحانی اهل بیت خود در برابر خدا مسؤول است. بسیاری از زنان که شوهرشان بی‌ایمان است مجبورند مسؤولیت کامل هدایت روحانی بچه‌ها را به دوش کشند. چقدر بهتر است اگر هر دوی والدین، فرزندانشان را در طریق خداوند به پیش برند (تثنیه ۶ : ۶ - ۷).

عبادت خانوادگی یا ساعتی که به طور روزانه همه اعضای خانواده به دعا و پرسش می‌پردازند. موقعیت کمک به افراد خانواده و میهمانان را به وجود می‌آورد. در این ساعت اعضای خانواده درباره کتاب مقدس و ارتباط آن با زندگی‌شان صحبت می‌کنند. برای یکدیگر دعا کرده درمورد نیاز یا هر مشکلی که در خانواده یا برای سایرین وجود دارد، از خدا مسألت می‌نمایند. سهیم شدن در مسایل خانواده باعث می‌شود که بچه‌ها در احتیاجات خود، راحت‌تر به نزد والدینشان بیایند.

در جامعه خود می‌توانید فرصت‌های بسیاری برای مشورت دادن به دست آورید. میهمان نوازی، ملاقات، خدمت در کلیسا و شهادت دادن به دوستان ممکن است به گفتگوهای بعدی درباره مسایل روحانی منتهی گردد. دوست حقیقی اطرافیان خود باشید و خدا هم شما را برای کمک به آنها به کار خواهد برد.



جلسات بشارتی

بخش اعظم موفقیت بسیاری از اردوهای بشارتی مدیون خدمت مشاوران آموزش دیده است. پس چرا نباید از خدمت مشاوران مجرب در تمام جلسات بشارتی کلیسا استفاده کرد؟ می‌توان جای آنها را در لا به لای جماعت مقرر نمود. سپس هرگاه مردم به توبه و ایمان دعوت شوند، مشاوران قادر خواهند بود که اشخاص مایل را در قسمت خود تشخیص داده و برای کمک به آنان اقدام نمایند. بعضی از واعظین از مردم می‌خواهند که چنانچه مایل هستند برایشان دعا شود دست خود را بلند کنند. همین فرصتی است که مشاوران بتوانند چنین اشخاصی را دعوت کنند که به جلو آمده و دعا نمایند.

گاهی هم از مردم خواسته می‌شود که به جلو آیند. در این هنگام، جلو آمدن مشاوران موجب می‌شود که دیگران هم جرأت نموده و به سوی منبر حرکت کنند. مشاوران به مرد کمک می‌کنند که مسیح را بپذیرند، علاوه بر این ضمن گرفتن اسم و آدرس آنها ادبیات مسیحی مناسبی در اختیارشان قرار داده آنها را به سایر مسیحیان معرفی می‌نمایند. در روزهای بعد نیز آنان را کمک می‌کنند که مسیح را به عنوان خداوند و در مشارکت با کلیسایش خدمت نمایند.

کار با مردم

بعضی کارهای خاص موجب می‌شوند که فرصت‌های بسیاری برای مشاوره بشارتی پدید آیند. هم کلیسا و هم برنامه‌های دنیوی در امور اجتماعی خود محتاج مشاوران حرفه‌ای هستند. کشیشان در جلسات ارتشیان و جلسات منعقد در بیمارستان‌ها و زندان‌ها در می‌یابند که مشاوره، سهم مهمی در خدمتشان دارد. پزشکان، پرستاران و معلمین ایماندار، اظهار می‌دارند که در کارشان موقعیت‌های بسیاری برای هدایت مردم به نزد مسیح پدید می‌آید. در اردوهای کلیسایی، مشاوران نقش مهمی در ایمان آوردن بسیاری از بچه‌ها و جوانان داشته‌اند.

کار در پرونده‌ها، مراکز توانبخشی، خانه‌های سالمندان و برنامه‌های تأمین اجتماعی در واقع سروکار داشتن با مردم در هر جا سبب بروز موقعیت‌هایی می‌شود که شخص بتواند با محتاجان کمک، دوستی کند. همین دوستی است که راه را برای شهادت دادن و مشاوره باز می‌نماید.

خدمت شبانی، هر شبان کلیسا یک مشاور است. بعضی از شبانان، قسمتی از ساعات اداری خود را به مشاوره اختصاص می‌دهند و نیز در ملاقات‌ها، برای بسیاری برای مشورت قائل می‌شوند. مشاوره خانوادگی هم جزئی از خدمت شبانی است. بسیاری از مردم در مواقع



بحرانی به کلیسا رجوع می‌کنند و با گوشه‌شنوا، دستی یاری دهنده و راه حلی برای مشکلشان مواجه می‌شوند. یک از شبانان معتقد است که مشاوره خانوادگی، در بزرگی را بر بشارت می‌گشاید. وی از تجربه شخصی خود اظهار می‌دارد که یک مشاور خانوادگی مسیحی، بیش از یک کشیش می‌تواند مسیح را به گناهکاران بشناساند.

وسایل ارتباطی. ادبیات مسیحی، رادیو، تلویزیون، نامه نگاری و تلفن، همه جزو وسایل ارتباطی هستند. یکی از پرخواننده‌ترین قسمت‌های هر روزنامه ستون‌های آگهی آن است. چرا ما آگاهی‌های مسیحی نداشته باشیم؟ در یک شماره از روزنامه‌ای محلی که در بروکسل پایتخت بلژیک چاپ شده بود ۱۶ آگهی از سوی مدیوم‌های احضار ارواح و طالع بینان وجود داشت، ولی حتی یک آگهی هم به چشم نمی‌خورد که به خواننده اعلام کند اگر مشکلی داشته باشد چگونه می‌تواند در مورد راه حل مورد نظر خدا، پرس و جو نماید. هیچ آدرس یا شماره تلفن از خادمین یا مراکز مسیحی وجود نداشت. چرا؟

بیلی گراهام اظهار داشته که با استفاده از ستون آگهی روزنامه‌ها، بیشتر از سایر شیوه‌ها توانسته توجه مردم را جلب کند. می‌توان ستونی از روزنامه را به ارائه پاسخ‌های کلی به سؤالات مردم اختصاص داد. ارسال نامه شخصی به سؤال‌کننده هم نقش مکمل آن پاسخ را ایفا خواهد نمود. در شهر سانفرانسیسکو، یک راننده تاکسی با دادن کتاب نوجوانان چه می‌جویند به مسافران خود، پیغام انجیل را به آنان می‌رسانید. کار او فقط این بود که اسم و شماره تلفن خود را در کتاب می‌نوشت و آن را به هر که قبول می‌کرد، می‌داد. در طی سه سال، از این کتاب ششصد نسخه به زنان انگلیسی و سیمصد نسخه به زبان اسپانیولی توسط آن راننده تاکسی پخش شد. یکی از این نسخه‌ها به دست سربازی رسید که می‌بایست بلافاصله به منطقه جنگی اعزام می‌شد.

هجده ماه بعد، همان سرباز به راننده تاکسی تلفن کرد. او تازه از مأموریت خود در سرزمین‌های دور بازگشته بود و می‌خواست با آن راننده تاکسی صحبت کند. آنها در یک رستوران ملاقات کردند. آن سرباز توضیح داد که چگونه کتاب فوق را با خود برده بود و در طی جنگ و در سنگر، آن را به همراه داشت. خواندن آن کتاب باعث عوض شدن زندگی سرباز مورد نظر شده بود. وی ضمن طلب بخشش گناهانش از مسیح، او را به عنوان خداوند و منجی خود پذیرفته بود. سپس نام خود را در کتاب نوشته و آن را به سرباز دیگری داده بود. او از همه خواسته بود که فقط کسانی که آن کتاب را می‌خوانند، پس از پایان آن آیه خود را در کتاب نوشته و آن را به دیگری بدهند. بعد از مدتی، کتاب مذکور دوباره به دست همین سرباز رسیده بود.



آن سرباز پس از شرح ماجرای خود، کتابی کهنه و رنگ و رو رفته از جیب خود درآورد و آن را بازکرد. بیش از هزار نفر از سربازان، اسامی خود را در صفحات کتاب نوشته بودند که بسیاری از آنها با خواندن کتاب، به مسیح ایمان آورده بودند. فقط یک کتاب توانسته بود زندگی بسیاری را به سوی خداوند رهنمون سازد. ادبیات مسیحی یکی از وسایل اصلی در رساندن مژده نجات مسیح به مردم به شمار می‌آیند. در این فصل به اهمیت، انتخاب و پخش ادبیات مسیحی خواهیم پرداخت.

الگوی رسولان برای گسترش فعالیت بشارتی

- ۱- دعا این را باید مهمترین عامل دانست. اگر روح القدس در قلب ما کار نکند، هیچ عملی از ما سر نخواهد زد.
- ۲ - دعوت از داوطلبان.
- الف- جهت تعلیم دادن در کلاس‌های خانگی کانون شادی.
- ب- جهت در اختیار نهادن خانه‌های خود به عنوان محل کلاس.
- ۳ - فعالیت در ناحیه.
- الف- شروع کار شاخه‌های فرعی کانون شادی توسط گروه‌های خادمین.
- ب- داشتن جلسات منظم هفتگی با خادمین گروه‌ها.

یک: برای دعا - به مدت نیم ساعت یا بیشتر.
دو: برای تعلیم- در ابتدا همان درسی را بدهید که باید توسط همان خادمین تدریس شود. بعد می‌توانید به درس دادن در مورد فن تدریس یا سایر دوره‌های آموزشی بپردازید.
سه: برای در میان گذاشتن...

الف- آمار و ارقام: یکی از قوانین مدیریت این است که هیچ مسؤولیتی را بدون طلبیدن گزارش و جوابگویی، واگذار نکنید. گزارش هفتگی هر کلاس، نمایانگر میزان رشد آن خواهد بود.
ب- برکات: این کار باعث تشویق همه خادمین خواهد شد، بخصوص آنانی که تا پیش از این در کار کلاس‌های خود مشاهده می‌کنند.
ج- مشکلات: رشد تمام گروه در این است که همه دریافتن راه حل برای مسائل و مشکلات پیش آمده در خدمت، سهیم باشند.

۴- شروع یک جلسه به طور یک شب در هفته، در همان منازل که محل تشکیل کلاس‌های فرعی کانون شادی هستند. این کار را می‌توان چند هفته یا یک ماه پس از آغاز کار کلاس‌های شروع نمود.

۵ - شروع جلسات یکشنبه‌ها عصر در بعضی خانه‌هایی که فاصله بسیاری با کلیسا دارند. وقتی که چند نفر به خداوند ایمان می



- آورند ، هسته ای برای آغاز کار جدید شکل می گیرد . این نوایمانان به جای اینکه هر هفته مسافتی طولانی را برای رسیدن به کلیسا طی نمایند . باید با هم کار کنند تا به محله و محیط همسایگی خود ، بشارت را برسانند .
- ۶ - تعلیم دادن در مورد زندگی مسیحی و اصول ایمان در کلاسها، بخصوص برای نوایمانان و سایرین.
- ۷ - تعمید دادن نوایمانانی که دوره تعلیمی خود را گذرانده باشند .
- ۸ - تشکیل یک کلیسای جدید ، هنگامی که گروه به اندازه کافی رشد و توسعه یافته باشد . سپس این کلیسای جدید می تواند از همین هشت قدم در ایجاد کلیسای دیگری پیروی نماید .

آیا این طرح ، قابل اجراست ؟ در ماه مه سال ۱۹۶۵ ، این طرح به چهار کلیسای جماعت ربانی در بوگوتا (Bogota) واقع در کشور کلمبیا ارائه گردید و در هر کلیسا، شش بخش آموزشی و آماده سازی تدریس دیده شد. جمعا ۴۵ خانه به عنوان محل تشکیل کلاسهای اعلام آمادگی نمودند و ۶۰ خادم جوان به عنوان معلم داوطلب کار شدند. در یک ماه تعداد شرکت کنندگان در کلاسهای مطالعه کتاب مقدس از ۸۰۰ به ۲۸۰۰ رسید. شبانان و معلمین تخمین می زدند که حداقل ۱۵۰۰ نفر از ۲۰۰۰ تازه وارد، کسانی بودند که قبلا در هیچ کلاس کتاب مقدس و یا کلیسای پروتستان حاضر نشده بودند.

در ژوئیه ۱۹۶۶ در هر یک از مناطق هفتگانه پس از اینکه رهبران گروههای مذکور در فوق، در آنها جلسات عصر یکشنبه ترتیب داده بودند، به مدت شش روز جلسات عظیم بشارتی تشکیل گردید. در مدت شش ماه، چهار گروه از این تعداد، به اندازه کافی اعضای تعمید یافته داشتند تا بتوانند کلیساهای جدیدی را تشکیل بدهند. در ژوئن ۱۹۶۷، چهار گروه دیگر به وجود آمدند. در یک دوره دوساله، کلیساهای تأسیس شده از چهار به شانزده رسیدند. بخش اعظم این فعالیت مدیون این بود که بر تجهیز روحانی کلیسا تأکید می شد و این حقیقت اعلام می گردید که زندگی روحانی، خدمت روحانی را نیز می طلبد.

طرح تهیه شده توسط آرتور لیندوال از این نظر هم خارق العاده است که نمی گذارند تا هیچ جلسات عظیم بشارتی از دست بروند. قبل از شروع جلسات بشارتی، خادمین آماده می شوند و آموزش می بینند، به نحوی که بلافاصله پس از جلسات بتوانند مشغول کار شوند و برای نوایمانان و خانوادههایشان در هر محله کلاسهای مطالعه کتاب مقدس ترتیب دهند. این کار را می توان با ترتیب دادن دورههای مخصوص برای نوایمانان آغاز نمود و با قدمهای بعدی ادامه داد.

برساندن بشارت به خانه ها

یک کلیسای مدیست آزاده، در طول چهار سال از ۱۴ نفر به ۱۴۰۰ عضو رسید. اغلب اینها از طریق ملاقات‌های خانگی و جلسات مطالعه کتاب مقدس، ایمان آوردند. یک کلیسای پرزبیتی در مدت ۲۱ سال از ۱۷ به بیش از ۶۵۰۰ نفر عضو رسید. هر هفته حدود ۷۰۰ نفر از اعضای کلیسا، مردم را در خانه‌هایشان ملاقات کرده و از آنها دعوت می‌کنند که مسیح را به عنوان منجی‌شان بپذیرند روش انفجار بشارتی که از سوی آنها در برنامه ملاقات‌ها به کار گرفته می‌شود، اکنون مورد استفاده کلیساهای بسیار در سراسر جهان است.

یک کلیسای جماعت ربانی در مدتی کمتر از ده سال، به بیش از ۵۰۰۰ عضو رسید. عامل اصلی این رشد، یک برنامه قوی و منظم برای ملاقات‌ها بود. در بسیاری از نقاط جهان، برنامه‌های مؤثر ملاقات به کلیساهای کمک می‌کنند که از نظر عددی و روحانی رشد کنند. در این فصل نگاهی خواهیم داشت به شیوه‌هایی که بسیاری از کلیساهای دارای رشد سریع، آنها را در ملاقات‌ها به کار برده‌اند. اهداف و برنامه‌های ملاقات‌ها، مورد بحث قرار خواهند گرفت و اینکه به هنگام ملاقات چه کار باید انجام داد و نیز اینکه بهترین شیوه ثبت و گزارش چیست و چگونه باید از آن استفاده نمود.

اهداف ملاقات

در هرکاری که باشد، اگر بخواهیم به نتیجه برسیم، باید هدف مشخصی داشته باشیم و سپس تمام تلاش و کوشش خود را در جهت رسیدن به آن هدف، معطوف بداریم. هدف ما از ملاقات کردن، هرچه باشد همان ما را در هر نوع ملاقات خاص هدایت خواهد نمود. برای ملاقات‌ها می‌توان چهار هدف اصلی را مشخص نمود: دعوت کردن، کلام خدا را کاشتن، به ایمان آوردن، محفوظ نگاه داشتن.

دعوت کردن

چگونه می‌توان فهمید که در منطقه شما، هر خانواده این امکان را داشته که با یک میسر انجیل ملاقات کرده باشد؟ چگونه امکان دارد دریابیم که چه کسانی به مژده انجیل علاقه‌مندند یا چه کسانی اغزش خورده‌اند و کلیسا هم اقدامی در موردشان نکرده است؟ این کار فقط به وسیله دعوت خانه به خانه و سرکشی به تمام منطقه میسر است. گروهی کلیسا با استفاده از پرسشنامه‌های آماده شده به تهیه آمار مذهبی یک جامعه مبادرت می‌ورزد. در یکی از فصل‌های قبلی اشاره‌ای داشتیم که در ملاقات‌های خانه به خانه می‌توان شهادت داد. ایمان مسیحی را توزیع نمود، مردم را به شرکت در جلسات



دعوت کرد و جایی را یافت که بتوان از آن به عنوان محل تشکیل کلاس کتاب مقدس استفاده نمود.

کاشتن کلام خدا

آیا این امکان وجود دارد که در ملاقات اول، زمین را شخم زده، تخم کلام را به کاریم و محصول رسیده را درو کنیم؟ بعضی‌ها شاید به محض شنیدن حرف‌های شما در مورد عیسیای مسیح، آماده باشند که او را بپذیرند. دیگران ممکن است محتاج ملاقات‌های متعدد باشند تا بتوانند ایمان خود را بتدریج بنا نموده و برای شرکت در جلسات کلیسایی آماده شوند. ملاقات‌های اولیه را می‌توان صرفاً به تقویت دوستی و استحکام مشارکت اختصاص داد تا زمینه برای شهادت دادن در ملاقات‌های بعدی آماده شود.

بعضی کلیساها پرونده‌ای تشکیل می‌دهند و در آن فهرستی را از اسامی و آدرس‌های کسانی که باید ملاقات شوند، نگهداری می‌نمایند. این فهرست گروه‌های ذیل را در برمی‌گیرد:

- کسانی که یک بار به کلیسا آمده‌اند.
- دوستان و بستگان اعضای کلیسا.
- تازه واردان به محله و منطقه کلیسایی.
- اشخاصی که به نحوی خود را علاقه‌مند نشان داده‌اند.
- مراجعه‌کنندگان از مراکز مختلف.

محافظة کردن

در بعضی کلیساها روند تأسف باری حاکم است. نوایمانان با شادی و از در جلوی کلیسا که در بشارت است وارد می‌شوند. در عین حال لغزش خوردگان با حالتی غمگین از در عقب کلیسا یعنی در غفلت خارج می‌گردند. بیا باید این در عقب را با ملاقات کردن، مسدود کنیم! چگونه؟ با بدوش گرفتن مسؤولیت نوایمانان، اعضای گروه‌های مختلف کلیسایی، غایبان در جلسات و اعضای سابق یا غیر فعال.

در بعضی کلیساها، هر نوایمان بلافاصله به یک شخص مسؤول روحانی که در حکم برادر بزرگتر یا خواهر بزرگتر عمل می‌کند، سپرده می‌شود. این شخص مسؤول به ملاقات فرد نوایمان می‌رود، با او و برای او دعا می‌کند، او را با درسی‌هایی از کتاب مقدس راهنمایی می‌نماید و در مشکلات باری‌اش می‌دهد. وی همچنین باید آن نوایمان را تشویق کند که همیشه در جلسات کلیسایی حاضر باشد و اگر درموردی عیبت کرد با او تماس گرفته و ببیند که اوضاع و احوال او چگونه است. این مسؤول قادر به کار خود ادامه می‌دهد تا آن نوایمان در زندگی



روحانی خود استوار شده و خود بتواند مسؤل روحانی شخص دیگری بشود.

هر بخش یا گروه کلیسا می‌تواند اعضای خود را ملاقات نماید و آنها را تقویت و محافظت کند. در خانه، مستقیم‌تر و بهتر از کلیسا می‌توان به یک شخص کمک نمود. ملاقات شخصی باعث می‌شود که رشته‌های ارتباط با گروه کلیسایی، محکم‌تر شوند. هر یک از اعضای گروه باید در مسؤولیت و شادی ناشی از ملاقات کردن، خود را سهیم بدانند. این امر به استحکام بیشتر کلیسا می‌انجامد. هر گروه اگر می‌خواهد اعضای خود را حفظ کند باید متوجه باشد که کدام یک از آنها در جلسات مرتب گروه حاضر نیست و بلافاصله بعد از هر غیبت، با عضو غایب تماس بگیرد.



اعضای جماعت‌های بزرگ گاهی حس می‌کنند که هیچ کس به حضور یا عدم حضور آنها در جلسات کلیسایی توجهی ندارد. برای حل این مشکل، در بعضی کلیساها گروه‌های پنج نفره‌ای از اعضای کلیسا تشکیل می‌شوند و برای هر گروه یک مسؤل تعیین می‌گردد. وی باید حضور و غیاب افراد گروه خود را مورد دقت قرار دهد. اگر کسی غایب باشد، روز بعد با او تماس گرفته می‌شود تا گروه بداند که چه مشکلی برای وی پیش آمده و آیا می‌تواند کمکی کند یا نه؟

نسبت به اعضای سابق یا غیرفعال چه مسؤولیتی داریم؟ آیا باید آنها را هم ملاقات کنیم؟ بایگانی کلیسا باید نشان دهد که کدام یک از اعضا محل سکونت خود را تغییر داده‌اند، یا عضویت خود را به کلیسای دیگر یک مرد جوان خواندم که خود را از یک کلاس کانون شادی کنار کشیده بود، اما همکلاسی‌هایش همچنان او را یکی از اعضای خود می‌دانستند. آنها به مدت هشت سال برای وی دعا کردند و به ملاقاتش رفتند تا در آخر او بازگشت. اگر کلیسا به همه جا می‌رود تا گمشدگان را بیابد، چقدر بیشتر باید در جستجو کردن فرزندان دور افتاده خود بکوشد!

برنامه های ملاقات

مسؤولیت شبانی

هر چند شبان کلیسا نمی‌تواند تمام ملاقات‌ها را انجام دهد، مطمئناً وی باید در این خدمت، پیشرو و نمونه باشد. بعضی شبانان، ملاقات‌های خود را به مواردی محدود می‌کنند که دعوت شده باشند و یا شنیده باشند که عضوی مریض است. دیگران تمام اعضای کلیسا و هر که به کلیسا می‌آید را ملاقات می‌کنند. ملاقات‌ها ممکن است کوتاه باشند، حتی ده دقیقه یا کمتر، اما در همین ملاقات‌هاست که شبان، دوست تمام مردم می‌شود و دید بهتری نسبت به احتیاجات آنها حاصل می‌کند.

دکتر رابرت ج. لی (Dr. Robert G Lee) شبان کلیسای فصلت‌یست بلوو

(Bellevue)

و آنچه در موفقیست تنسی، در طی یک دوره ده ساله موفق شد ۲۶۵۰۰ ملاقات شخصی را به انجام رساند. میانگین این رقم عبارت است از ده ملاقات در روز به مدت ده سال!

این همه و حکمت، نتیجه هم داشت. دکتر لی، در طی یک نسل در هر یک از این شهرها بر منبر بوده، نوایمانان را تعمید می‌داد. یکی از اسرار موفقیت وی این بود که او در ملاقات‌هایش هدفی داشت و فقط برای دیدن مردم یا صحبت کردن با آنها نمی‌رفت. او هدفش را چنین اعلام می‌کرد: «تا کار خود را به انجام رسانم، تا دعا کنم، تا تسلی بخشم، تا تشویق کنم، تا مردم را برای مسیح صید کنم، تا شادی خود را در مورد کاری که به خوبی پیش رفته ابراز نمایم.» (نقل از کتاب خدمت



ملاقات، صفحات ۲۲ و ۴۸). با این حال، رهبری فعال بدین معنا نیست که همه کار را یک نفر انجام دهد!

دکتر جیمز کندی (Dr. James, Kennedy) شبان کلیسای پرزبیتری کورال ریج (Coral Ridge) (کلیسای که در مدت ۲۱ سال از ۱۷ به ۶۵۰۰ نفر رشد نمود) بر این نکته تأکید دارد که شبان مسؤل است که دیگران را تربیت کرده و آماده سازد. وی کار آماده سازی را از یک نفر شروع کرد و او را در ملاقات‌ها همراه خود برد تا موقعی که اطمینان یافت که وی به تنهایی قادر است شهادت دهد و مردم را به سوی مسیح رهنمون سازد.

سپس همین شخص، فرد دیگری را به عنوان کمک و همراه با خود برد، در حالی که دکتر کندی مسؤولیت آماده سازی نفر سوم را به عهده گرفته بود. به همین ترتیب، هر شخص تعلیم دیده، به آماده ساختن فرد دیگری مبادرت می‌ورزید. سپس دکتر کندی برای سرعت بخشیدن به این روند، در هر تیم سه نفر را قرار داد؛ یعنی یک مسؤل و دو نفر کارآموز. دوره کارآموزی حدوداً چهار ماه ونیم می‌باشد. بعضی گروه‌ها از ساعت ۹ تا ۱۲ صبح روزهای چهارشنبه به ملاقات می‌روند و سایر گروه‌ها از ۱۵:۷ تا ۳۰:۱۰ عصر روزهای پنجشنبه. همه گروه‌ها، گزارش ملاقات‌های خود را ارائه می‌دهند و همین امر به تبادل شهادت‌ها و درخواست‌های دعا می‌انجامد.

این برنامه ملاقات نه فقط موجب برکت کلیسای پرزبیتری کورال ریج شده بلکه در سال ۱۹۸۲ حدود ۱۲۰ خانواده از همین کلیسا برخاسته و به خدمت تمام وقت خداوند وارد شدند. همچنین این کلیسا با استفاده از امکانات رادیو و تلویزیونی، جلسات پرستشی خود را برای ۲۳۰۰ شهر و نیز ۲۱ کشور خارجی پخش می‌کند. برنامه ملاقاتی که دکتر کندی در کتاب خود تحت عنوان بشارت انفجاری ذکر کرده، در سراسر جهان توسط هزاران کلیسا مورد استفاده قرار گرفته است (۱۹۸۲، صفحه ۵).

در فعالیت‌هایی از قبیل دعوت خانه به خانه، توزیع ادبیات مسیحی و تلاش در مطلع ساختن تک تک مردمان در مورد برنامه‌ای خاص، هر گروه را بر سه قسمتی از منطقه تحت پوشش برسد. آسان‌ترین روش این تقسیم‌بندی، بر اساس بلوکهای مربع شکل ناحیه مسکونی شهر صورت می‌گیرد. گاهی ممکن است یک گروه از جوانان تعلیم دیده به سه گروهی از افراد محلی، گروه مشترگی را به وجود آورند. این گروه گروه‌ها می‌توانند در طی روز، محله‌ای را تحت

تقدیر می‌نماید منطقه



پوشش ملاقاتی خود قرار دهند و در شب نیز جلساتی در کلیسای محلی برای افراد دعوت شده، ترتیب دهند.

کشیش لئونارد وود (Leonard Wood)، گزارش داده که یک زوج جوان مدت یک هفته به کلیسای وی آمدند. هر یک از این دو نفر یک نفر را با خود برداشته و به کارآموزی وی می‌پرداختند. روز بعد، کسی که آموزش دیده بود، شخص دیگری را همراه می‌برد و به همین ترتیب. آنها در هر صبح به مدت دو ساعت کار می‌کردند و سپس برای دعا و صرف ناهار جمع می‌شدند. نتیجه کار آن زوج در طی آن یک هفته این بود که در ملاقات‌های خانگی ۱۲۳ نفر به مسیح ایمان آوردند و در جلسات شبانه کلیسایی نیز ۱۲ نفر.

یکی از جوانانی که توسط این ملاقات‌کنندگان ایمان آورده بود، به آنها گفت دوستی دارد که محتاج خداوند است. آن دو ملاقات‌کننده با آن دوست نیز ملاقات کردند و او هم مسیح را پذیرفت. او هم به نوبه خود، دوست دیگری را معرفی نمود و به همین ترتیب ۱۲ نفر فقط از همان معرفی اولین ایمان آورنده، نجات پیدا کردند (نقل از مجله Pentecostal Evangel از ۱۱ ژانویه ۱۹۷۰).



در بعضی مواقع، قسمتی از یک ناحیه به صورت مداوم به یک گروه سپرده می‌شود. این گروه باید در مواقع خاص به تمام منازل آن قسمت سرکشی کنند. در این بین می‌توانند فهرستی از خانواده‌های علاقه‌مند را نیز تهیه کنند و بیشتر به ملاقات آنها بروند. خادمین هر منطقه باید برای مردم تحت پوشش فعالیت خود دعا کنند، با آنها صمیمی ترشده و در حل مشکلات روحانی شان بکوشند. سپس می‌توانند جلسات همسایگی مطالعه کتاب مقدس را ترتیب دهند و بعد مردم را به کلیسا بیاورند.

در بسیاری از کلیساهای سریع‌الرشد، مسیرهای ملاقات‌الگویی برای خدمات اتوبوس رانی کلیسا محسوب می‌شوند. در همان مسیری که در روزهای شنبه، خانواده‌ها ملاقات می‌شوند، در روزهای یکشنبه اتوبوس کلیسا به جمع‌آوری اعضای علاقه‌مند به شرکت در کانون شادی و جلسه عبادتی مبادرت می‌ورزد. ما باید مسیرهای بشارت شخصی خود را نیز تنظیم نماییم تا در حد امکان مثمر باشیم. نباید با دادن قسمت‌های بسیار بزرگ از یک ناحیه به یک گروه کوچک، موجب یأس و ناامیدی خادمین بشویم. در یک موقعیت مخصوص می‌توان به تمام خانه‌های یک قسمت یا محله بزرگ سرکشی کرد، اما انجام این کار به طور مرتب امکان‌پذیر نیست. پس کلیسا باید این کار خود را با چند مسیر کوتاه آغاز نماید و با ایمان آوردن مردم و زیاد شدن اعضا، فعالیت خود را نیز گسترش بخشد. مسیرهای اولیه را باید در نزدیکی کلیسا و یا محل سکونت اعضای گروه انتخاب نمود.

برنامه مراقبت از نوایمانان

۱ - به محض اینکه شخصی به مسیح ایمان می‌آورد:
الف- کارت مخصوص تصمیم‌گیری مربوط به او را با این مشخصات پر کنید: نام، نشانی، شماره تلفن، جنس، سن، تصمیم اتخاذ شده و هر مسأله یا اطلاع دیگری که کمک خواهد نمود تا به وی مسؤولیت و مشاوره لازم داده شود.

ب- یکی از اناجیل را به شخص نوایمان بدهید و یا یک جلد عهد جدید یا کتاب مقدس کامل را به او بفروشید.

ج- از او بخواهید در یک دوره درس کتاب مقدس راجع به زندگی مسیحی شرکت نماید. مطالب مربوط به درس اول را در اختیار وی قرار دهید.

آ- هر بعد نامه‌ای از سوی شبان یا میشر خطاب به او بفرستید و در آن به او تبریک گفته و تشویقش نمایید.



ب- قسمت‌های از کتاب مقدس را به او پیشنهاد کنید تا آنها را مطالعه نماید.

ج- او را ترغیب کنید تا باز هم در جلسات کلیسای شرکت کند.
د- نشانی کلیسا و برنامه جلسات را به او اعلام نمایید (در جلسات بشارتی متحد باید کلیسای را به او معرفی نمود که به محل سکونتش نزدیکتر است و یا هرکدام را که خود وی ترجیح می‌دهد).

۳- در طی ۴۸ ساعت:

الف- شخصی به ملاقات آن نوایمان برود و یا با تلفن با وی سخن بگوید.

ب- برای آن نوایمان دعا کنید.

ج- در جلسات بشارتی متحد، تمام جزئیات مربوط به کارت تصمیم‌گیری و نکات راجع به عضویت در نزدیکترین کلیسا را در اختیار شخص نوایمان قرار دهید و یا با کلیسای که خود وی ترجیح داده است، هماهنگی لازم را به عمل آورید.

۴- پس از سه هفته، نامه‌ای از سوی شبان‌خطاب به وی فرستاده و در آن:

الف- او را تشویق کنید.

ب- درمورد مطالعه کتاب مقدس، مطالعه دروس و دعا، مجدداً یادآوری نمایید.

ج- آنها را نصیحت کنید تا به مسیح شهادت دهند.

د- آنها را برانگیزانید تا در کلیسا شرکت نمایند.

۵- مسؤولیت روحانی نوایمان تازه‌ای را که همچنن نوایمان قبلی و مورد نظر ماست به او بسپارید تا:

الف- هرروز برای نوایمان دیگر دعا کند و او را در زندگی مسیحی‌اش یاری دهد.

ب- به آن نوایمان کمک کند تا وارد برنامه عمومی کلیسا شود.

ج- به مدت ۶ هفته به طور هفتگی به ملاقات آن نوایمان برود و او را با یک دوره درسی کتاب مقدس یا سایر دروس، یاری دهد.

د- نوایمان را تشویق و مشورت کند تا شهادت برای مسیح شود.

ه- مهمان‌نوازی مسیحی را از خود نشان داده و نوایمان جدید را به خانه خود یا به مستوران برای صرف غذا دعوت کند.

و- آن نوایمان را تشویق کند تا تعهد گرفته عضو کلیسا شود و پس از آن، مسؤولیت

ز- کار را انقدر ادامه دهد تا آن نوایمان به یک مسؤول روحانی برای دیگران تبدیل شود.

۶- به طو مداوم به برنامه مسؤولیت روحانی تأکید ورزید:

الف- او را از شهادت‌ها، گزارشات و درخواست‌های دعا مطلع سازید.



ب- پرونده ها را به روز، مرتب کنید.
ج- نظارت کنید تا ببینید که تمام نوایمانان برای برنامه فوق اهمیت قائلند.

۷- کار پیگیری را درمورد تمام کسانی که تصمیم به پیروی از مسیح گرفته‌اند تا یک سال ادامه دهید.

۸- بر زندگی پر از روح، دعا و خدمت مسیحی تأکید کنید.

۹- به نوایمانان کمک کنید که در خدمات مسیحی سهیم شوند.

۱۰- کلاس‌هایی (به طور خصوصی یا گروهی) تشکیل دهید تا نوایمانان برای تعمید آب و عضویت کلیسا آماده شوند.

۱۱- ملاقات‌های شبانی را به انجام رسانید.

۱۲- نوایمانان را در آب تعمید داده و به عضویت کلیسا بپذیرید.

۱۳- برای کسانی که قادر به خواندن نیستند کلاس‌های سوادآموزی ترتیب دهید.

۱۴- دروس منظم مطالعه کتاب مقدس و دوره های کارآموزی برای خدمت را در اختیار آنها بگذارید.

وقتی جامعه شما در اثر یک سری جلسات عظیم بشارتی به شور و شوق آمده است، چشم‌اندازهای نزدیکی برای بشارت به وجود آمده‌اند. دوستان و بستگان اشخاص نجات‌یافته یا شفایافته جزو همین موقعیت‌های تازه به شمار می‌آیند. کسی چه می‌داند، شاید بسیاری از شرکت‌کنندگان در جلسات بشارتی فقط منتظر یک ملاقات هستند تا تصمیم خود را درمورد پیروی از مسیح اتخاذ نمایند. برنامه پیگیری فقط مختص نوایمانان نیست، بلکه باید درمورد همه کسانی که به نحوی تحت تأثیر بشارت قرار گرفته‌اند، عملی گردد.

کلیساها می‌توانند در نواحی مختلف و قسمت‌های گوناگون جامعه به تشکیل شاخه‌ها و گروه‌های جدید کانون شادی، گروه‌های دعا و کتاب مقدس و یا شعبات تازه بپردازند. پس از یک سری جلسات بزرگ بشارتی در السالوادور واقع در آمریکای مرکزی که سه ماه طول کشید، کلیسا بلافاصله ۱۷ شعبه را افتتاح نمود. همین شعبات به زودی رشد کرده و به کلیسا تبدیل شدند.



ملاقات کردن، یکی از مهم‌ترین روش‌های پیگیری است. کسانی که به ملاقات نوایمانان می‌روند مسؤولان روحانی، مشاوران، شبان، همسایگان مسیحی این امکان را در اختیار دارند که به سایر اعضای خانواده، دوستان و همسایه‌های آنها نیز بشارت دهند. ما باید به ملاقات کسانی برویم که در طی جلسات بزرگ بشارتی، درخواست دعا برای شفا داشته‌اند. ممکن است اکنون محتاج کمک روحانی و تشویق باشند. علاوه بر این، به هنگام دعوت شبان از حامیان مالی و مقامات اداری محلی جهت قدردانی از همکاری شان در برگزاری جلسات، باز هم فرصتی است تا در مورد کار خدا در برنامه‌ها سخن گفته شود.

روش مفید دیگر در برنامه پیگیری بررسی خانه به خانه است. در این بررسی می‌توانیم پرسیم که چه کسی در جلسات بشارتی شرکت کرده و تأثیری پذیرفته است. شاید با کسانی مواجه شویم که مایل بودند در جلسات شرکت کنند، اما نتوانسته‌اند یا کسانی که می‌خواستند نجات یابند، اما برای جلوگیری از تشویق بوده‌اند. ممکن است کسانی را بینیم که مسیح را پذیرفته‌اند، اما کارت تصمیم‌گیری را پر نکرده‌اند و یا آدرس‌شان بر آن کارت، اشتباه بوده است. شاید بعضی‌ها توسط رادیو، بشارت را شنیده باشند، اما در جلسه‌ای شرکت نکرده‌اند. دیگران ممکن است تحت تأثیر جلسات بشارتی قرار گرفته باشند و بخواهند که بیشتر در مورد خداوند بدانند.

به اتمام رساندن کار

در همین نسل باید تمام انجیل به تمام دنیا برسد! این امر مستلزم تجهیز و آمادگی تمام کلیسا است. دعا و اطاعت از روح‌القدس نیز لازم است تا خدا طوری از طریق ما کار کند که به تنهایی امکان انجام آن را نداریم و نیز این کار، هماهنگی و همکاری هیأت‌های بشارتی را می‌طلبد. خدا روی ما حساب می‌کند تا نه فقط انجیل را به اطرافیان خود بلکه به همه آنانی که از ما بسیار هم درو هستند برسانیم. انجام این کار از سوی ما بدین صورت است که بیشترین را اعزام کنیم و آنها را با دعا و هدایای خود حمایت نماییم.

در کتاب (A . M . Cakau)، ناظر کلیساهای جماعت ربانی در جزایر فیجی، کلیساهای را در یک برنامه وسیع بشارتی برای رساندن پیغام انجیل به سایر جزایر هدایت می‌کند. وی در یک کنفرانس بین‌المللی در مانیتا، اظهار داشت: «اعتقاد من این است که هیچ کلیسایی آنقدر جوان نیست که نتواند مرکز بشارتی شود و هیچ کلیسایی هم آنقدر فقیر نیست که نتواند از یک برنامه بشارتی، حمایت مالی کند.»

هر نسلی از مسیحیان مدیون است که به دنیای عصر خود بشارت دهد. آیا می‌توان در دنیایی که دچار انفجار جمعیت است، بشارت



داد؟ بله، ممکن است! و باید عملی گردد. اگر از روش‌ها و وسایل امروزی که در دسترس است استفاده شود و هر ایماندار هم سهم خود را به انجام رساند و اجازه دهد تا روح‌القدس از طریق او هدف الهی را محقق سازد، بشارت جهان عملی خواهد شد. اگر زندگی خود را کاملا به مسیح تسلیم کنیم خواهیم دید که وعده‌اش را خطاب به کلیسای هر نسل به کمال خواهد رسانید: «لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان ۱: ۸).

۱- وسوسه چیست؟ نیازهای سطحی را طوری وانمود نماید که بزرگ است (یعقوب ۱: ۱۳ - ۱۴).

پیروزی بر وسوسه:

الف- کجا ایستاده‌ایم (یعقوب ۴: ۷ - ۸).

ب- آیا این یک وسوسه بود؟ مشکل اینجاست که خیلی وسوسه را نمی‌شناسند.

قدم‌های پیروزی:

۱ - تشخیص دهید دارید وسوسه می‌شوید.

۲- به آن بگویید نه (امثال ۴: ۲۳ - ۲۷).

۳- با خدا صحبت کنید.

۴- شیطان چه نیازی را می‌خواهد برطرف کند.

۵- راه خدا را برای آزاد شدن بجویید (فیلیپیان ۴: ۱۹).

لطفا نظر خود را در مورد درس این دوره در صفا فوق ارائه دهید. همچنین اگر هدایت یا پیشنهادی جهت بهتر شدن شاگردسازی (بشارت) در کلیسای ایرانیان اسلو دارید، نیز می‌توانید مطرح فرمایید.

نام:







